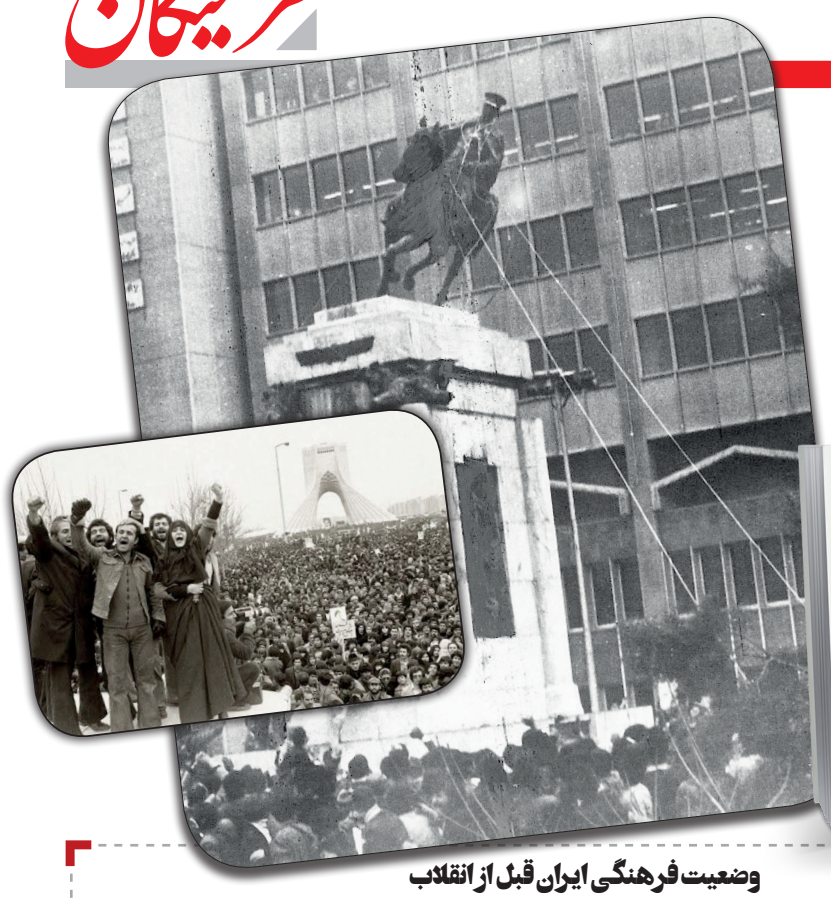

نگاهی به انقلاب چهل ساله

کتابی که حاج قاسم نام‌گذاری کرد

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

«انقلاب اسلامی ایران، یکی از تحولات و پدیده‌های بزرگ و تعیین‌کننده‌ای است که وقوع آن در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی(ره) و با حرکت یکپارچه و متحد مردم، آثار، نتایج و دستاوردهای بسیار مهمی را در سه سطح داخلی، منطقه و جهان اسلام، و جهانی بر جای گذاشت. انقلاب اسلامی در وضعیتی به وقوع پیوست که کمتر کسی در جهان تصور می‌کرد در کشوری که در دهه‌های متوالی، تحت سلطه انگلیس و آمریکا و قدرت‌های شرق و غرب بوده، انقلابی با این وسعت و کیفیت رخ دهد. در سطح داخل، انقلاب اسلامی ایران، موجب سرنگونی رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و تشکیل دولت و حکومت براساس موازین و اصول قرآنی و اسلامی و بر پایه اصل ولایت مطلقه فقیه شد. مردم، پس از قرن‌ها سرکوب و خفقان ناشی از حاکمیت حکام خودکامه، مستبد و دست‌نشانده، طعم عدالت و آزادی را چشیدند و در سایه انقلاب اسلامی که «مردم‌سالاری دینی»، «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و همچنین «بازنگری در منابع قدرت در جوامع مدرن بشری»، سه وجه بارز آن است، صاحب شئون و اختیار شدند. علاوه بر این، انقلاب اسلامی ایران، در حوزه‌های علمی-تکنولوژیکی و همچنین عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، در حوزه‌های دفاعی و نظامی، و سایر عرصه‌های موجود داخلی، دستاوردها و پیشرفت‌های سترگی داشته است.» اینها در مقدمه کتاب «انقلاب چهل ساله» آمده است، کتابی که به دستاوردها و فرصت‌های چهل ساله انقلاب اسلامی در زمینه‌های مختلف پرداخته است. این کتاب توسط انتشارات خط مقدم به چاپ رسیده تا از دستاوردهایی گفته شود که تا به حال خیلی کم به آن پرداخته‌ایم. نویسندگان این کتاب، حمید خوش‌آینده، سیدروح‌الله میری و احمد کریم‌خانی هستند و مقدمه‌ای هم از حجت‌الاسلام علی شیرازی در کتاب منتشر شده است. در این گزارش به بخش‌های مهم این کتاب نگاهی داشته‌ایم.

وضعیت سیاسی ایران قبل از انقلاب

بخشی از کتاب «دستاوردهای چهل ساله»، به مساله‌ای می‌پردازد که بسیار مهم است، اینکه ایران قبل از انقلاب چه شرایط سیاسی‌ای داشته. نویسندگان کتاب در این بخش با پژوهشی دقیق در همه منابع سعی داشتند استدلالی برای مخاطب داشته باشند که قابل قبول باشد و در بخشی از آن می‌نویسند: «نظام سیاسی ایران در دوران قبل انقلاب اسلامی، نظام سلطنتی و پادشاهی موروثی بود و مردم ایران هیچ نقشی در به قدرت رسیدن شاه نداشتند. نظام سلطنتی شاهی، با هر نوع خصوصیت و ویژگی‌ای، از اختیارات کامل برخوردار بود، و فرمان شاه، دستور خدا تلقی می‌شد. آخرین رژیم سلطنتی در ایران، رژیم منحوس پهلوی بود. رضاشاه، دیکتاتوری مستبد، خشن، بی‌رحم و بیگانه‌پرست بود. محمدرضا پهلوی نیز با نظر آمریکا و انگلیس به قدرت رسید و بسیاری از خصلت‌های پدر در او وجود داشت. تحقیر مردم ایران از یک طرف، و بها دادن به خارجی‌ها از طرف دیگر، از خصوصیات محمدرضا پهلوی بود. شاه ایران براساس همین نوع نگرش به مردم، در سال ۱۳۵۳ در یک کنفرانس مطبوعاتی می‌گوید: «این مردم، قادر به انجام هیچ چیز نیستند. مثل گوسفندان می‌مانند.» این نوع نگاه به ملت ایران، در بسیاری از عناصر کلیدی اطراف شاه نیز دیده می‌شود. برای نمونه، در زمان ملی کردن صنعت نفت، نخست‌وزیر وقت، رزم‌آرا، با حضور در کمیسیون نفت مجلس شورای ملی، بر سر نمایندگانی که با جدیت موضوع ملی کردن صنعت نفت را دنبال می‌کردند، فریاد می‌زند و می‌گوید: «ایرانی‌ای که نمی‌تواند یک آفتابه بسازد، شما می‌خواهید پالایشگاه را اداره کند؟!» این نوع خودباختگی در شاه و دولت‌های او، منشأ بسیاری از مشکلات در کشور از قبیل عقب‌افتادگی‌های ملی و سلطه اجانب بر مقدرات کشور بود. در دوران پهلوی، نهادهای مردم‌سالار، هیچ جایگاهی نداشتند، و اگر انتخاباتی برگزار می‌شد، کاملا نمایشی و صوری بود. فساد مالی، اخلاقی و جنسی در دربار شاه، زبانزد است و اسناد فراوانی در این خصوص وجود دارد. منافع ملی در ایران دوران طاغوت، تنها منافع خاندان پهلوی بود، و این خاندان، بیت‌المال را برای عیاشی‌ها و سفرهای خارجی خود، به منزله ارث پدری می‌پنداشت. وابستگی به بیگانه، از مختصات حکومت رضاشاه و محمدرضاشاه بود. در وابستگی رضاشاه به انگلیس، همین بس که چرچیل و روزولت در کنفرانس تهران درباره او اعتراف کردند: «خودمان، او را آوردیم، و خودمان، او را برداشتیم.» همچنین محمدرضاشاه نیز از سوی بیگانگان به قدرت رسید، و او خود را مدیون آنان می‌دانست. روزنامه نیویورک تایمز می‌نویسد: «پس از کودتا، شاه گیلاس خود را با تعارف به کرمیت روزولت، رئیس بخش سیا در خاورمیانه، برداشت و گفت: من تاج و تخت خود را به خدا، مردم کشورم، ارتشم و به شما مدیونم.» در سطح مشارکت سیاسی هم اساسا در دوران پهلوی، به علت خفقان سیاسی و فقدان فضا برای مشارکت سیاسی، هیچ گونه مشارکتی در عمل وجود نداشت. از سوی دیگر، به سبب اعتماد نداشتن به نظام و کارگزاران سیاسی، مردم به مشارکت سیاسی تمایلی نداشتند که در نتیجه، رویکرد مردم به دولت پهلوی، همواره ستیزه‌جویانه بود، و گروه‌های سیاسی و مذهبی، به جای پیگیری راهی برای مشارکت سیاسی، دنبال راه‌های مبارزه با رژیم شاه بودند.»

وضعیت فرهنگی ایران قبل از انقلاب

موضوع دیگری که این کتاب به آن پرداخته، بحث مسائل فرهنگی در قبل از انقلاب است. مسائل فرهنگی همیشه جای سوال برای مخاطب امروز داشته، اینکه اوضاع فرهنگی چه بوده است را فقط از اطرافیان و خانواده شنیده‌ایم. اما در این کتاب به این موضوع پرداخته شده و نویسندگان در این بخش می‌گویند: «امام خمینی(ره) در خصوص اوضاع فرهنگی و اجتماعی قبل از انقلاب و در دوران سلطنت پهلوی‌ها فرموده‌اند: [اینها [رژیم پهلوی] می‌خواستند که هر قوه‌ای که احتمال بدهند که در مقابل اجانب بایستد و ارباب‌ها بایستد، و هر فکری را که احتمال بدهند که این فکر در مقابل آنهاست، اگر بتوانند، فکر را از او بگیرند. فکر را چطور بگیرند؟ به اعتیاد به مشروبات؛ به اعتیاد به هروئین و امثال این مخدرات که فکر انسان را می‌گیرد؛ انسان را از میان تهی می‌کند؛ مراکز فحشایی که سرتاسر مملکت بود؛ مراکز فسادی که سرتاسر مملکت بود. خوب، این هم جوان‌ها را مشغول می‌کرد به یک امور شهوانی که به کلی افکار را از دست‌شان می‌گرفت. این یک برنامه بود... این برنامه، روی یک حساب [بود]؛ نه اینکه همین طوری می‌شد. یک حساب، حساب دقیق، این کارها انجام می‌گرفت.} با تأمل در این بیان رهبر کبیر انقلاب اسلامی می‌توان به خوبی به وضعیت فرهنگی که در دوران شاه و خاندان پهلوی بر ایران حاکم بود، پی برد. مبارزه با فرهنگ اسلامی و ملی، از مختصات فعالیت‌های فرهنگی رژیم طاغوت است. اسلام‌زدایی از یک طرف، و ترویج فرهنگ غربی از طرف دیگر، از اولویت‌های کاری تمامی دستگاه‌های فرهنگی رژیم گذشته بود. رادیو و تلویزیون، تئاتر و سینما، مطبوعات و کتاب، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، همگی ماموریت داشتند فرهنگ غربی را برای تغییر سبک زندگی ایرانیان از یک زندگی اسلامی و ملی به یک زندگی با سبک غربی ترویج کنند. دربار و خاندان پهلوی خود پیشتاز ترویج فرهنگ مبتذل غربی در ایران بودند. مراکز فساد و فحشا علنی برپا بود و عناصری از خود دربار و خاندان پهلوی در پشت صحنه این مراکز حضور داشتند. فساد خاندان حاکم به‌ویژه شخص محمدرضا پهلوی و نگاه او به زنان نیز بیش از پیش بر ابتذال فرهنگی دوران پهلوی افزوده بود. تاج‌الملوک، مادر محمدرضا، ضمن بیان خاطراتش، از هوس‌بازی‌های فرزندش دفاع کرده و ضمن تایید وجود روابط میان شاه و طلا (یکی از معشوقه‌های محمدرضا) آورده است: «این حق پسرم بود که همسر و معشوقه را توأمان داشته باشد. اگر انسان شاه باشد و نتواند از پادشاهی خود لذت ببرد، پس چه فرقی با یک رعیت ساده دارد؟»

استقلال مهم‌ترین دستاورد

یک نگاه مهم به پیروزی انقلاب اسلامی، بحث استقلالی است که ایران بعد از پیروزی توانست کسب کند، این استقلال باعث شد خیلی‌ها در این ۴۰ سال درموردش صحبت کنند، باورش برای کشورهایی که در قبل از انقلاب می‌دیدند که چقدر حکومت وابسته به کشورهای غربی است اما بعد از پیروزی همه تلاشش را می‌کند تا این وابستگی‌ها را کم کند و به استقلال برسد، سخت بود. کتاب در این بخش که به موضوع استقلال پرداخته، دلایل این استقلال را ذکر کرده و تحلیلی هم بر آن ارائه داده است و می‌نویسد: «هنگامی که امام خمینی در سال ۱۳۴۱ قیام شکوهمند الهی خود را آغاز کردند، کسب استقلال برای میهن را یکی از مهم‌ترین علل و انگیزه‌های قیام خویش خواندند. نقل شده است که امام خمینی در پاسخ به فرمانده نیروهای مسلح پاکستان فرمودند که مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی، این است که [الان برای ایران، در تهران تصمیم گرفته می‌شود؛ نه در واشنگتن یا مسکو.] درک استقلال به‌مثابه کامل‌ترین دستاورد انقلاب، زمانی ملموس‌تر است که بدانیم این روند، امروز هم نه‌تنها حفظ و تقویت شده است، بلکه با مقاومت مردم ایران و با رهبری امام خامنه‌ای در مسیر امام و استادش، ما به این دستاورد درخشان رسیده‌ایم که تصمیم‌هایی که در ایران اسلامی گرفته می‌شود، در دنیا تعیین‌کننده است و موجب بیداری اسلامی شده و تأسی به انقلاب را پدید آورده است. باید توجه داشت که یکی از مهم‌ترین مشکلات و مصائب ملت ایران در طول سالیان متمادی حکمرانی طاغوت، «وابستگی به بیگانگان» بود. حکومت پهلوی، ایران را در وضعیت وابستگی تمام‌عیار به قدرت‌های استعماری در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... قرار داده بود. وابستگی، نقطه مقابل استقلال به‌مثابه آزادی در ابعاد یک ملت است و موجب توسعه و تعمیق روزبه‌روز عقب‌افتادگی‌های ملت و کشور می‌شود.»

هنر و ادبیات مردمی و اسلامی

فرهنگ یکی از آن موضوعاتی است که همیشه مهم بوده و نمی‌توان به‌راحتی از کنارش گذشت. پیروزی انقلاب اسلامی تغییر و تحولات مهمی را در حوزه فرهنگی ایجاد کرد که بارها هم به آن اشاره شده است. این موضوع در این کتاب هم مورد توجه قرار گرفته و نویسندگان به مسائلی پرداخته‌اند که کمتر به آن توجه شده است: «جامعه ایران، در سال‌های آخر حکومت پهلوی، با سرعت به‌سمت غربی‌تر شدن پیش می‌رفت. هرچند تلاش‌هایی از سوی دسته‌ای از هنرمندان برای برقراری پیوند با سنت‌های گذشته صورت می‌گرفت، عزم جدی دولت و نظام حاکم بر ایران، تقلید از غرب و ورود تکنولوژی و ساختار زندگی و فرهنگ و ترویج و تبلیغ هنر غربی بود؛ چنانکه حکومت پهلوی تلاش می‌کرد «مدرنیسم» را همپا با آخرین تحولات غربی در هنر ایرانی شکل دهد و هنرمندان را نه‌تنها برای شناخت آن، بلکه در مسیر همراهی و الگو قرار دادن آن شیوه‌های هنری تشویق کند. یکی از مقتضیات انقلاب‌ها در تمام زمان‌ها و در همه جای دنیا، نفی هرگونه پیوند با نظام پیشین است. انقلاب اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نبود، و رویکردهای مدرنیستی هنر، آن گونه که در زمان پهلوی ترویج می‌شد، مقبول هنرمندان انقلابی نبود. این الزام به گسست از گذشته، نقطه عطفی برای ساختن جامعه‌ای نو را ممکن کرد، و در کنار آن، نوعی «آرمانگرایی» در هنر را نیز تجسم بخشید. برای مثال، اگر در دوران پهلوی، نوعی روایت و تقدیس تاریخی در آثار هنری و ادبیات با اقبال روبه‌رو می‌شد، در دوران اولیه انقلاب، نگاهی «ضدروایت تاریخی» شکل گرفت که آرمانگرا بودن را در جهت تقویت علل غایی انقلاب اسلامی تبلیغ می‌کرد. بدین‌سان، کم‌کم «هنر مردمی» انقلاب، جای «هنر مدرن» را که از جانب رژیم پهلوی دنبال می‌شد، گرفت. ریشه‌های تئوریک این جنبش هنری را می‌توان «هنر اعتراض» دانست که از سال‌های ۱۳۲۰ شمسی به بعد با گسترش تفکرات چپ‌گرایانه در بین هنرمندان ایران گسترش پیدا کرده بود. این جریان، پس از کودتای سال ۱۳۳۲ شمسی، در قالب ادبیات و هنر سیاه شکل گرفت و از دهه ۴۰ به بعد، در قالب‌های گوناگون، در نشریات مشاهده می‌شد. تا اینکه در دهه ۵۰ و دقیقا در سال ۱۳۵۴، عده‌ای از هنرمندان به نقد جدی عملکردهای ضدمردمی رژیم شاهنشاهی رو کردند. این حرکت، با تلاش دانشجویان و فارغ‌التحصیلان جوان دانشگاه شکل گرفت و جریان رسمی هنر را به چالش کشید.» یک موضوع دیگر که در این کتاب در حوزه فرهنگ به آن اشاره شده، بحث دفاع مقدس است که زمینه بروز خلاقیت‌هایی را برای اهالی هنر ایجاد کرد: «جنگ و دفاع مقدس، زمینه‌ای برای بروز خلاقیت‌هایی شد که تا آن زمان در ایران تجربه نشده بود. هنرمندان، مانند سایر مردم، در این میدان حضور یافتند و به خلق آثار هنری بر بستر جنگ پرداختند. هنر دوره جنگ، پیرو حرکتی بود که از اول انقلاب شکل گرفت؛ با این تفاوت که در زمان جنگ، هنرمندان بیشتری از جمله هنرمندان آکادمیک به این جریان روی آوردند. نیاز هنر و هنرمند جنگ، تلاش برای زنده نگه‌داشتن ابعاد وجودی و به تصویر کشیدن عمق باور مبارزان ایرانی و منش آنها بود. این هنرمندان، بیشتر به‌سوی آفرینش آثار هنری نمادین گرایش یافتند، و مهم‌ترین علت آن نیز توجه به ارزش‌های درونی و نیز خواست عمیق هنرمند برای بیان ذات مفاهیم به کمک تصویر بود. یکی از مواردی که در دوران جنگ در عرصه هنر ایران پدید آمد، نقاشی تصاویر شهدا روی بوم یا دیوار بود و در دوران قبل از آن وجود نداشت. عده‌ای از پژوهشگران هنر معتقدند که این اتفاق تازه و منحصربه‌فردی بوده و در هیچ‌جای دیگر چنین چیزی رخ نداده است؛ نقاشی‌های دیواری با ابعاد بسیار بزرگ از جنگ و قهرمانان آن که در نوع خود بی‌نظیر بود.»

سینمای بعد از انقلاب

سینما همیشه جذاب بوده است و پرده نقره‌ای آن با جادو می‌تواند مخاطب را سرگرم کند. در این کتاب به بحث سینما و دستاوردهایی که انقلاب برای این هنر داشته است، اشاره شده و نویسندگان می‌گویند: «سینمای قبل از انقلاب اسلامی در ایران، در برگیرنده آثاری بود که برای تفریح و سرگرمی ساخته می‌شد، و ابتذال، واژه‌ای مناسب برای توصیف اغلب این آثار است. گرچه فیلمسازانی نیز بودند که آثار شایسته و درخور توجهی ساختند و در مجامع بین‌المللی حضور یافتند، در قیاس با سینمای پس از انقلاب، بسیار اندک بودند. یکی از نقاط قوت سینمای ایران که شاید در مقام مقایسه، کمتر کشوری را بتوان در این زمینه برتر دانست، حضور پرشمار فیلم‌های ایرانی در رویدادهای سینمایی و کسب جوایز معتبر سینمایی است. به جرأت می‌توان گفت که هیچ رویداد سینمایی را نمی‌توان یافت که فیلم و فیلمسازان ایرانی در آن حضور نیابند. سبد افتخارات سینمایی ایران، مملو از جایزه‌های معتبر سینمایی است، و درخشش سینماگران ایرانی در جشنواره‌های سینمایی، به امری عادی تبدیل شده است. سینمای ایران پیش از انقلاب اسلامی، ۱۵۲ جایزه به دست آورده بود؛ درحالی که فقط در سال ۱۳۹۵ شمسی، ۳۶۶ جایزه به سینمای ایران تعلق گرفت. براساس آمار موجود، سینمای ایران، طی ۴۰ سال اخیر، ۳۴ هزار و ۹۳۰ بار حضور در رویدادهای سینمایی داشته و سه هزار و ۶۸۵ جایزه کسب کرده است. به این حضور بین‌المللی درخشان می‌توان هزاران نمایش آثار ایرانی در هفته‌های فیلم، و نمایش در سینماها و شبکه‌های تلویزیونی را افزود و مهم‌ترین سبب این همه موفقیت را نکته کلیدی اغلب آثار سینمای ایران دانست: نمایش انسانیت و اخلاق، و تأکید بر ضرورت صلح برای تمامی انسان‌ها. علاوه بر این باید از جشنواره بین‌المللی فیلم فجر نام برد که یکی از دستاوردهای اثرگذار و مهم سینمای ایران پس از انقلاب است. برگزاری اولین دوره جشنواره جهانی فیلم فجر، مربوط به سال ۱۳۶۱ است. جشنواره فجر، بزرگ‌ترین جشنواره فیلم ایران، هر ساله در تهران برگزار می‌شود. این رویداد، عرصه‌ای مناسب برای تبادلات فرهنگی، نمایش دستاوردهای خلاقانه سینماگران، و نیز تقدیر از فیلم‌های ملی و بین‌المللی است. این جشنواره، از زمان تأسیس تاکنون، نقش مهمی در پیشرفت سینمای ایران ایفا کرده، و هر ساله کارگردانان پیشکسوت و فیلمسازان جدید، آثار خود را در آن به نمایش درمی‌آورند. جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، عرصه فعالیت را برای استعدادهای جوان این مرز و بوم هموار کرده تا با معرفی آثار خود در این جشنواره، توانایی خود را محک بزنند. در سال‌های اخیر، این جشنواره، پلی برای موفقیت‌های فیلمسازان و سینماگران در جشنواره‌های خارجی شده است.»

اسمی که حاج قاسم بر کتاب گذاشت

سال گذشته که این کتاب آماده چاپ شد، مسئولان انتشارات کتاب را برای شهید حاج قاسم سلیمانی می‌فرستند و ایشان هم بعد از خواندن کتاب، یادداشتی را می‌نویسند که در این بخش به آن اشاره می‌کنیم: «با عرض سلام و خسته نباشید به همه کسانی که این اقدام ضروری و بسیار مهم را به رشته تحریر درآوردند تا در غوغا و دعواهای سیاسی و جناح‌بندی، عظمت انقلاب و جمهوری اسلامی و رهبر حکیم آن مورد غفلت و تهمت قرار نگیرد. این کتاب که گوشه‌ای از کارآمدی اسلام در حکومت است و اگر بگذارند، و می‌گذاشتند حکومت قرآنی ولایت فقیه، این میراث گرانبهای مهدویت تحقق کامل بیابد، آن وقت اعجاز قرآن و دین، نمایان‌تر می‌گردید. من معتقدم این کتاب را باید جلد اول نامید چون حداقل در آنچه حقیر مطلع هستم، کاستی‌هایی به چشم می‌خورد، از جمله معجزه جدید انقلاب، رهبری و مردم و رابطه جدید و دینی‌ای که (به صورت) استثنایی پایه‌گذاری شد. از جمله چگونگی تعامل و اطلاع رهبر از وضع مردم و رفتن بیش از یک روز به میان مردم در استان‌ها (از دیگر موضوعات است. همچنین ارتباط) دین و جمهوری اسلامی یا دین و اسلام در ایران، حکمت‌های رهبری در بحران‌های کمرشکن، نیروی قدس و نهضت‌ها، یمن و...، بسیج و تاثیر آن در سطوح مختلف انقلاب، سپاه و ارتش، همپوشی، هماهنگی برادران، ارجحیت مردم و ارزش بودن خدمتگزاری و توجه به مصادیق (آن)، ایران و جهان و نقش درهم‌تنیده رهبری و مردم، ایران و اسلام، ایران و تشیع و... (که) ان‌شاءالله در جلدهای دیگر به آن توجه شود.»

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب فاطمه زهرائی محمدآبادی فرزند رحمان به شماره شناسنامه ۶۲ صادره از قزوین در مقطع کاردانی پیوسته رشته علمی کاربردی حسابداری صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱/۱۳۸۹۸۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی‌شهر، تقاطع بلوار شهید موذن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمومنین ارسال نماید.

✦✦✦

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب ابراهیم دین‌محمدی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۶۷۶ صادره از هشترود در مقطع کارشناسی رشته مدیریت بازرگانی صادره از واحد دانشگاهی اسلامشهر با شماره ۲۳۱۰۱۴۶۲۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به نشانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر به نشانی اسلامشهر- میدان نماز- خیابان شهید صیادشیرازی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر ارسال نماید.

✦✦✦

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب فرزانه خمک فرزند عیسی به شماره ملی ۲۱۱۰۲۹۰۱۳۷ صادره از گرگان در مقطع کاردانی ناپیوسته رشته آموزش ابتدایی صادره از واحد دانشگاهی گرگان به شماره ثبت ۴۴۳۱۲۵۸ به تاریخ ۹۹/۱۰/۲۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. لذا از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان به نشانی گرگان: بزرگراه شهید کلانتری – خیابان دانشگاه آزاد اسلامی - مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی گرگان کد پستی ۴۹۱۴۷۳۹۹۷۵ اداره امور دانش‌آموختگان ارسال نماید.

✦✦✦

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب امیر زبردست فرزند قربانعلی به شماره شناسنامه ۳۱۲۱۹ صادره از تهران در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی تولیدات دامی صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱/۱۴۰۵۹۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی‌شهر، تقاطع بلوار شهید موذن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمومنین ارسال نماید.

✦✦✦

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب محمود قرنی فرزند: محمدمهدی به شماره شناسنامه: ۷۱۳ صادره از: ری در مقطع: لیسانس رشته: معارف اسلامی صادره از واحد دانشگاهی یادگار امام خمینی(ره) با شماره ۸۱۱۳۹۲۲۴۸۱۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به صندوق پستی ۱۸۱۵۵/۱۴۴ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی(ره) ارسال نماید.

✦✦✦

برگ سبز، سند کمپانی کامیون کشنده سیستم: ولوو تیپ: اف اچ ۲۱۲*۴ رنگ: سفید روغنی مدل: ۱۳۸۱ به شماره انتظامی ایران ۱۹۵/۸۴ ع ۵۴ شماره موتور: ۲۷۱۶۲۴ شماره شاسی: ۲T۸۳۱۴۷۵ به مالکیت آقای احمد راه‌پیما به کد ملی ۳۳۸۳۱۰۹۷۲۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

✦✦✦

برگ سبز. سند کمپانی کامیون کشنده سیستم: فائو FAW تیپ: J6-CA4180/36-4*2 رنگ: سفید- روغنی مدل: ۱۳۹۳ به شماره انتظامی ایران ۸۱۳/۸۴ ع ۶۲ شماره موتور: CA۶DM۲۴۲E۳۵۲۵۲۵۰۳۵ شماره شاسی: N۵T۶CA۴۱۸EDT۰۱۴۴۴ به مالکیت شرکت حمل‌ونقل مواد نفتی کامکاران بندر به کد ملی ۱۰۸۰۰۰۸۶۵۵۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

✦✦✦

برگ سبز، سند کمپانی کامیون کشنده سیستم: فائو FAW تیپ: J6-CA4180/36-4*2 رنگ: سفید- روغنی مدل: ۱۳۹۳ به شماره انتظامی ایران ۵۴۲/۸۴ ع ۶۲ شماره موتور: CA۶DM۲۴۲E۳۵۲۳۹۸۸۳۵ شماره شاسی: N۵T۶CA۴۱۸EDT۰۰۸۸۸ به مالکیت شرکت حمل‌ونقل فرآورده‌های نفتی طوفان سیر خلیج‌فارس به کد ملی ۱۰۸۰۰۱۲۹۸۶۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

✦✦✦

برگ سبز، سند کمپانی کامیون کشنده سیستم: فائو FAW تیپ: J6-CA4180/36-4*2 رنگ: سفید- روغنی مدل: ۱۳۹۳ به شماره انتظامی ایران ۳۶۴/۸۴ ع ۵۹ شماره موتور: CA۶DM۲۴۲E۲۴۲E۳۵۲۳۶۵۱۹۹ شماره شاسی: N۵T۶CA۴۱۸EDT۰۰۴۷۵ به مالکیت آقای سیدروزعلی هاشمی‌باباحیدری به کد ملی ۴۶۷۹۰۵۷۸۰۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

✦✦✦

برگ سبز، سند کمپانی کامیون کشنده سیستم: فائو FAW تیپ: J6-CA4180/36-4*2 رنگ: سفید- روغنی مدل: ۲۰۱۴ به شماره انتظامی ایران ۹۶۴/۸۴ ع ۶۱ شماره موتور: CA۶DM۲۴۲E۴۵۲۵۲۵۷۸۵ شماره شاسی: LFWNHXRC۱E۱E۳۹۱۸۶ به مالکیت شرکت حمل‌ونقل مواد نفتی کامکاران بندر به کد ملی ۱۰۸۰۰۰۸۶۵۵۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

✦✦✦

سند کمپانی – برگ سبز خودرو سواری سیستم: پژو تیپ: پارس رنگ: سفید مدل: ۱۳۹۷ به شماره انتظامی ایران ۹۹۵/۸۴ ط ۳۱ شماره موتور: NAAL۵۱FA۶GH۶۴۰۱۵۸ شماره شاسی: ۱۳۴B۰۰۰۱۱۸۰ به مالکیت آقای ابراهیم راه‌پیما به کد ملی ۳۳۸۱۱۵۹۶۷۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

✦✦✦

برگ سبز و سند خودرو سمند ال‌ایکس مدل ۸۹ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۲۴۸۹۰۴۲۰۲۶ و به شماره شاسی NAAC۹۱CC۵AF۷۸۹۲۷۱ و به شماره پلاک ۱۴ – ۵۲۷ ص ۷۳ به نام داریوش کرم‌پور مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

✦✦✦

گواهینامه موقت پایان تحصیلات اینجانب میلاد اسمعیل‌زاده فرزند محمدعلی دارنده شماره ملی ۱۶۸۰۰۵۹۳۵۱ در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی تکنولوژی برق-قدرت به شماره ۲۶۰۴۶ مفقود گردیده، از یابنده تقاضا می‌شود مدارک فوق را به آدرس دانشگاه آزاد اسلامی ملکان به نشانی: ملکان- کیلومتر ۳ جاده ملکان - بناب ارسال نماید.